

گفت و گوی شهرآرا با دکتر سعید طاووسی مسرور، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

تمدن اسلامی؛ دگر دیسی های یک مفهوم

امید حسینی‌نژاد

اندیشه: اسلام در طول تاریخ پر فرازونشیب خود با تکیه بر گزاره های اعتقادی و اجتماعی خود زمینه ساز شکل گیری تمدنی در کنسار دیگر تمدن های دنیا شده است. اسلام پژوهان با توجه به شاخصه های تمدن ساز اسلام، زمینه های شکل گیری تمدن اسلامی را بررسی کرده اند. اما برای نام بردن از این تمدن افتخار آمیز از چه عنوانی می توان بهره گرفت؟ اندیشمندان اسلامی نظرهای گوناگونی در این بساره ارائه کرده اند. در این گفت و گو دکتر سعید طاووسی مسرور، عضو هیئت علمی گروه شیعه شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، به بررسی این اصطلاحات متداول و تأملات به کارگیری آن برای شناخت هر چه بهتر تمدن اسلام پرداخته است.

● بهترین اصطلاح برای کاربرد و فهم شاخصه های تمدن برساخته اسلام چیست؟ درباره استعمال اصطلاحات و تعبیرات، معمولا خطایی صورت می گیرد و آن خطا استعمال غیر دقیق آن اصطلاحات است. به عنوان مثال ما اصطلاحاتی مثل مملکت، کشور و سرزمین را به جای هم به کار می بریم، در حالی که این اصطلاحات معانی و کاربرد مختلفی دارد. «تمدن اسلامی» یکی از اصطلاحات محل بحث ماست. مسلمانان سابقه تمدنی طولانی دارند و حتی بر تمدن امروز غرب تأثیرهای جدی داشته اند. نکته تأمل برانگیز این است که ما از این سابقه تمدنی خودمان با چه تعبیری باید یاد کنیم؟ یکی از رایج ترین تعبیرها «تمدن اسلامی» است. اما تعبیرات دیگری نیز وجود دارد. به عنوان مثال عنوان «تمدن عربی» که در برخی آثار به کار رفته است. اگر این اصطلاح را ریشه یابی کنیم، برخلاف تصور اولیه که ممکن است این اصطلاح را عرب ها به کار گرفته باشند، می بینیم این مستشرقان بودند که اولین بار از این اصطلاح استفاده کردند.

● علت اینکه مستشرقان این واژه را استعمال کردند چیست؟

نگاه بدبینانه این است که بگوییم آن ها مایل نبودند این تمدن در خشان به اسلام نسبت داده شود، به همین دلیل به جای تمدن اسلامی عنوان «تمدن عربی» را به کار گرفته اند. البته این استدلال به اثبات نیاز دارد. رایج ترین اصطلاحی که مستشرقان برای پیامبر اکرم(ص) استفاده می کنند، اصطلاح «پیامبر اسلام» است. به همین دلیل برخی صاحب نظران تأکید می کنند که نباید از این اصطلاح برای تسمیه پیامبر اکرم(ص) بهره برده شود، زیرا تعبیر رایج برای ایشان در منابع اسلامی قرآن و روایات، رسول... است و بر اتصال ایشان به خداوند تأکید شده که در تعبیر مستشرقان نادیده گرفته شده است. از دلایل رواج این اصطلاح، غلبه زبان عربی به عنوان زبانی است که اسلام در بستر آن ظهور پیدا کرد. به همین دلیل آن را «تمدن عربی» نام گذاری کردند. علت دیگر آن این است که اسلام شناسی در غرب با خواندن زبان عربی شروع می شود، به علت اینکه این زبان، زبان قرآن و وحی است و آشنایی آن ها با جهان اسلام از طریق زبان عربی کلید خورده است. اما این اصطلاح مناسب نیست، زیرا واژه «تمدن عربی» در ذهن مخاطب

این مفهوم را متبادر می کند که عرب این تمدن را شکل داده است. با وجود اینکه این گونه نبوده است و زبان های مختلفی در شکل گیری این تمدن نقش داشته اند. اگر اندیشمندان آثارشان را به زبان عربی می نویسند، این دلیل بر این نیست که تمدن اسلامی را اعراب شکل داده اند، بلکه مؤلفان نژادهای مختلف بودند و این خود دلیلی بر نقض این اصطلاح است.

● آیا اندیشمندان مسلمانان نیز این اصطلاح را به کار برده اند؟

با وجود اشکالاتی که به اصطلاحات «تمدن عربی» وارد است، این اصطلاح در بین اعرابی که از غرب سر در آورده اند و آثارشان را به زبان انگلیسی می نویسند، رواج داشته است. به عنوان مثال آثار «ج.الخلیلی»، فیزیک دان عراقی تبعه انگلیس، در کتابی با عنوان The Golden Age of Arabic Science (عصر طلای علم عربی)، به غیر از او «عبدالحمید صبره»، استاد برجسته مصری، را می توان نام برد که در دانشگاه هاروارد تدریس می کرد. ایشان گاهی تعبیر علم اسلامی را استفاده می کرد و گاهی با نسبت عربی از آن علوم یاد می کرد. یکی دیگر از این افراد «رشدی راشد»، از



علی انبیا

فتوت اسلامی ... ● برخی افراد تأثیرگذار در تمدن اسلامی، از اهل کتاب بوده اند. آیا می توان این تمدن را به طور مطلق به اسلام نسبت داد؟ این اصطلاح محل تأملات جدی است. آیا همه کسانی که این تمدن را شکل داده اند، مسلمان بوده اند؟ به عنوان مثال اهل کتاب تأثیر مهمی در نهضت ترجمه داشته اند و کتاب های مهمی را از زبان های غیر عربی به عربی ترجمه کرده اند. امام خمینی(ره) در جایی می فرماید: گوستاو لوبون تمدن اسلامی را به چند ستون منحصر کرده است، در حالی که ابعاد معنوی تمدن اسلامی را نادیده گرفته است. اندیشمندان اسلامی راهکاری برای فهم این مسئله ارائه کردند. بعضی این تمدن را «تمدن مسلمانان» نامیده اند، زیرا بر خی اتفاقاتی که در طول تمدن اسلامی رخ داده، محل تأمل جدی است. بر خی اندیشمندان اسلامی مسئله فتوحات در صدر اسلام را هنوز نقد می کنند و درباره آن نظریه های جدی می دهند. عده ای حکم به مشروعبت آن داده و برخی آن را رد کرده اند. برای اینکه آثار منفی آن به حساب اسلام نوشته نشود، عبارت «تمدن مسلمانان» استفاده شده است. اما این هم اصطلاح ناقصی است، زیرا همه کسانی که تأثیری در این تمدن داشته اند، مسلمانان نبوده اند. حال با وجود این چه می شود کرد؟ سیدمحمدعلی امام شوشتری در سال ۱۳۴۴ خورشیدی در مجله وحید مقاله ای با عنوان «یک نام گذاری غلط» نوشته است که در آن اصطلاح «تمدن عصر اسلامی» را انتخاب کرده است. اما این نیز محل تأمل جدی است، زیرا دامنه زمانی آن باید مشخص باشد. برخی معتقدند آن تمدن اسلامی دوره طلایی، اکنون وجود ندارد. به همین دلیل نادیهایی برای شکل گیری تمدنی نوین به گوش می رسد.

پیشنهاد من این است که از اصطلاح «تمدن جهان اسلام» استفاده شود، زیرا ربط مستقیم آن به اسلام در درجه اول واضح است و آن نظری که در آن گفته می شود اگر اسلام نبود این تمدن شکل نمی گرفت، مقصود نظر خواهد بود. محدوده جغرافیایی آن نیز مشخص است. جهان اسلام نیز تعریف مشخصی دارد و همه کسانی را که در جهان اسلام زندگی می کنند، شامل می شود، حتی اهل کتابی که در قلمرو اسلامی زندگی می کنند.

فتوت اسلامی ...

● برخی افراد تأثیرگذار در تمدن اسلامی، از اهل کتاب بوده اند. آیا می توان این تمدن را به طور مطلق به اسلام نسبت داد؟

این اصطلاح محل تأملات جدی است. آیا همه کسانی که این تمدن را شکل داده اند، مسلمان بوده اند؟ به عنوان مثال اهل کتاب تأثیر مهمی در نهضت ترجمه داشته اند و کتاب های مهمی را از زبان های غیر عربی به عربی ترجمه کرده اند. امام خمینی(ره) در جایی می فرماید: گوستاو لوبون تمدن اسلامی را به چند ستون منحصر کرده است، در حالی که ابعاد معنوی تمدن اسلامی را نادیده گرفته است. اندیشمندان اسلامی راهکاری برای فهم این مسئله ارائه کردند. بعضی این تمدن را «تمدن مسلمانان» نامیده اند، زیرا بر خی اتفاقاتی که در طول تمدن اسلامی رخ داده، محل تأمل جدی است. بر خی اندیشمندان اسلامی مسئله فتوحات در صدر اسلام را هنوز نقد می کنند و درباره آن نظریه های جدی می دهند. عده ای حکم به مشروعبت آن داده و برخی آن را رد کرده اند. برای اینکه آثار منفی آن به

حساب اسلام نوشته نشود، عبارت «تمدن مسلمانان» استفاده شده است. اما این هم اصطلاح ناقصی است، زیرا همه کسانی که تأثیری در این تمدن داشته اند، مسلمانان نبوده اند. حال با وجود این چه می شود کرد؟ سیدمحمدعلی امام شوشتری در سال ۱۳۴۴ خورشیدی در مجله وحید مقاله ای با عنوان «یک نام گذاری غلط» نوشته است که در آن اصطلاح «تمدن عصر اسلامی» را انتخاب کرده است. اما این نیز محل تأمل جدی است، زیرا دامنه زمانی آن باید مشخص باشد. برخی معتقدند آن تمدن اسلامی دوره طلایی، اکنون وجود ندارد. به همین دلیل نادیهایی برای شکل گیری تمدنی نوین به گوش می رسد.

پیشنهاد من این است که از اصطلاح «تمدن جهان اسلام» استفاده شود، زیرا ربط مستقیم آن به اسلام در درجه اول واضح است و آن نظری که در آن گفته می شود اگر اسلام نبود این تمدن شکل نمی گرفت، مقصود نظر خواهد بود. محدوده جغرافیایی آن نیز مشخص است. جهان اسلام نیز تعریف مشخصی دارد و همه کسانی را که در جهان اسلام زندگی می کنند، شامل می شود، حتی اهل کتابی که در قلمرو اسلامی زندگی می کنند.

پس آن یعنی شنبه

و یکشنبه تعطیل است)، یک روایت جذاب و خواندنی است و می باید آن را از زبان استاد فلاطوری می شنید. بدنه و قتی (اوانسی زاده) وقتی ۲۸ تیر ۱۳۶۹ به آلمان رفتم، پذیرش دکتری داشتم، ولی از شروط ثبت نام این بود که باید در آزمون زبان آلمانی قبول می شدم. به هر حال ناچار بودم زبان آلمانی را شروع کنم. در پذیرش دانشگاه بن، تأییدیه هم از استاد لازم بود که یکی را از آقای پروفسور ژورف فان اس از دانشگاه توبینگن داشتم و دیگری را از آقای پروفسور عبدالجواد فلاطوری. ایشان، بنده را از ایران می شناخت. آبان ۱۳۷۳ یا ۱۳۷۴ بود که استاد خواهم فلاطوری به دین آقایی دکتر جواد فریدزاده در راینزی فرهنگی ایران در بن آمد. ویرایش نهایی اشیکتروم ایران، نشریه راینزی فرهنگی، را استاد فلاطوری انجام می داد. استاد فلاطوری از من پرسید: «چرا در درس الهیات شفا، که من در دانشگاه کلن درس می دهم، شرکت نمی کنی؟» بنده هم با اشتیاق قبول کردم. هر هفته روزهای سه شنبه به کلن می رفتم.



دکتر عبدالجواد فلاطوری بنیان گذار کتابخانه شیعی دانشگاه کلن آلمان

درجه دکتری شد.

کتاب «دگرگونی بنیادی فلسفه یونان بر خود با شیوه اندیشه اسلامی» رساله ای است که استاد فلاطوری در سال ۱۹۷۳ میلادی -برابر با ۱۳۵۲ خورشیدی- برای کسب مقام استادی به دانشکده فلسفه دانشگاه کلن ارائه کرد و پروفسور اروین گرف (Erwin Gräff) مشاور فلاطوری در نگارش آن رساله بود.

فلاطوری در ۱۹۶۸ میلادی، یگانه کتابخانه شیعی را در اروپا، در دانشگاه کلن آلمان بنیان نهاد. همچنین بنیان گذار آکادمی علوم اسلامی در آلمان بود. کتابخانه ای که چگونگی فرستادن کتاب از ایران، از راه زمینی با یک تریلی و رسیدن آن در یک عصر جمعه به دانشگاه (که ۲ روز

اندیشه: در این روزها که

هر چه می شنویم، خارج کردن منابع از رزشمند کشورمان به دست سوداگران اقتصادی و مافیای شبه مافیای و دزدان یقه سپید، به مقصد بیرون از مرزها و با هدف سودجویی و چپاول است، اگر بشنویم در روزگاری نه چندان دور، یک چهره فرهنگ و ادب این سرزمین همه کوشش و همتش را به کار می بندد تا برخی کتاب های ارزشمند علمی را از راه زمینی و با یک تریلی به کتابخانه شیعی کلن بفرستد، شاید ابتدا پوزخندی بزینم و سپس در انگیزه استاد شک کنیم. غافل از اینکه «کار پاکان را نباید و نشاید که قیاس از خود بگیریم».

اما ماجرای کار از رزشمند پروفسور فلاطوری که دهم دی ماه سالروز وفات او بود، در یادداشتی آمده که به همین مناسبت و به قلم دکتر شهین اعوانی، عضو هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران، نوشته شده و سایت «بینا» منتشرش کرده است. صفحه اندیشه شهرآرا گزیده این یادداشت را بازنشر کرده که هم اینک پیش روی شماست.

دهم دی ماه سالروز وفات زنده یاد پروفسور عبدالجواد فلاطوری است و یادآور خبر تلخی که به ناگاهن شنیده شد، هر چند

اقرارنامه مالی از قرن پنجم یا ششم هجری قمری

دکتر مرتضی کریمی نیا

نسخه پژوه

اندیشه: کتابخانه آستان قدس رضوی گنجینه گران بهایی از مصاحف و جزوه های قرآنی را در بر دارد. در حاشیه برخی از این مصاحف نکات درخور توجهی نوشته شده است که نشان دهنده تاریخ اجتماعی محل کتابت آن مصحف شریف است. از آغاز جزوه قرآنی شماره ۳۰۴۷ کتابخانه آستان قدس رضوی، اقرارنامه ای مالی به وسیله فردی نوشته شده است که این اقرارنامه نکات تأمل برانگیزی از وضعیت اجتماعی آن دوره به

ما نشان می دهد. این نسخه را جناب بن یوسف بر سر قبر فرزندش، علی تکین بن اباجق، از امیران ترکستانی در عهد غزنویان، وقف کتابخانه آستان قدس رضوی کرده بوده که در حوالی سال ۴۲۵ قمری کشته شده است. این متن نشان دهنده اهمیت ثبت و ضبط قراردادهای مالی در آن دوره است. بسم... ارحمن الرحیم | اقرار کرد محمد عمر سهرآبادی اقراری درست | شرعی بی اکراه که بر منست و در ذمت منست | استاد محمد نوشتکین را از گندم سپید پاکی زه پاکیزه | دویمت من نیمه باشد، صد من خالی از سنگ | و کلوخ حقی برین؟ فامی آردم [فامی گردم]

روزنامه نگاری اندیشه ای؛ فرصت ها و تهدیدها

سرت بشر با اندیشه ورزی گره خورده است. انسان از بدو پیدایش به دنبال فهم مفاهیم و تولید اندیشه های جدید بوده است. عقل ریشه همه تولیدات اندیشه ای انسان بوده است. اسلام به عنوان دینی که امتیاز مهمی برای اندیشه ورزی قائل شده است، از همان ابتدای ظهورش مسلمانان را به فهم مفاهیم اندیشه ای و اعتقادات دینی دعوت کرده است. قرآن کریم به عنوان یکی از مهم ترین منابع فهم دین، در آیاتی مختلف، هر فردی را به تعقل دعوت می کند. گاهی این تعقل ورزی در سطوح بالای فهم، گزاره های کلامی و فلسفی است و گاهی برای اندیشپیدن در مفاهیمی است که انسان در زندگی روزمره اش با آن سرو کار دارد.

● روزنامه باستانی برای اندیشه ورزی

چاپ نشریات در دوران معاصر در ۱۹۰ سال پیش به وسیله میرزا صالح شیرازی که خود دوره آموزش روزنامه نگاری را در انگلستان گذرانده بود، آغاز می شود. گرچه تلاش های وی نسل پروری در پی نداشت و گسستگی مطبوعاتی موجب شد تجربه اول چندن طرفدار نداشته باشد. روزنامه دوره اول با الگوبرداری از روزنامه های خارجی ایرانیزه شده شروع به فعالیت کردند. از نظر شکل، روزنامه های نخست به نوعی ادامه صفحه آرای نسخه های خطی و کتاب های چاپ سنگی بودند تا اینکه ایرانیان فرنگ رفته به ویژه آن هایی که در عثمانی تجربه کار روزنامه نگاری داشتند، پس از بازگشت، به خدمت «دستگاه انطباعات» در آمدند و تاحدودی محتوا و شکل روزنامه ها را دگرگون کردند. با پایان دوره ناصری، پایه روزنامه نگاری دولتی لق شد، اما روزنامه نگاری خصوصی حرفه ای به وجود نیامد. پس از استقرار مشروطه در ایران، جریان شکل گیری روزنامه های جدید سرعت گرفت و روزنامه ها نفوذی عظیم و سهمی مهم در تجدید حیات اندیشه های مردم داشتند. از روزنامه های مهم دوره مشروطه که تأثیر زیادی بر افکار عمومی داشتند، می توان به «صور اسرافیل» و «ایران نو» اشاره کرد. در این برهه از تاریخ ایران، مطبوعات به عنوان نمادهای دمکراسی و آزادی نقش بزرگی در گسترش مشروطه داشتند.

در دوره پهلوی نیز مجلات و روزنامه های مختلفی در تهران و دیگر شهرها تأسیس شد. روزنامه خراسان از روزنامه های تأثیرگذار محلی بود که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی منتشر شد. خراسان قدیمی ترین روزنامه محلی درحال انتشار ایران است و پس از روزنامه های اطلاعات، کیهان و الیک، چهارمین روزنامه کهن سراسری در ایران است. نخستین شماره روزنامه خراسان در یک تیر ۱۳۲۸ و به صاحب امتیازی و مدیریت مسئولی محمدصادق تهرانیان در ۴ صفحه و در قطع کوچک منتشر شد.

پیش از این تاریخ، ۲ جریده دیگر نیز با عنوان مشابه خراسان چاپ می شدند که مدت انتشار آن ها چندان طولانی نبود. اولی را محمد تقی بهار پس از به توپ بستن مجلس در ۱۲ تفسد ۱۲۸۷ خورشیدی در ۴۲ شماره در مشهد منتشر کرد. دومی را سیدمحمد طباطبایی از اردیبهشت ۱۳۰۰ به مدت ۴ سال باز در مشهد منتشر کرد و در حمایت از قیام کلنل پسیان پرداخت. هفته نامه خراسان موضعی تند و انتقادی اتخاذ می کرد و مدیرش به همین سبب گهگاه محبوس یا تبعید می شد.

دکتر علی شریعتی از کسانی بود که در این روزنامه یادداشت هایی با موضوع های اندیشه ای منتشر می کرد. وی هنگام نگارش این مقالات و یادداشت ها ۲۱ سال داشت. او در سال ۱۳۳۱، دوره دانشجویی تربیت معلم را به پایان رسانده و به عنوان آموزگار، در اداره فرهنگ مشهد استخدام شده بود. به احتمال کمی قبل از آنکه مقالات وی در روزنامه خراسان منتشر شود، او دیپلم کامل ادبی خود را دریافت کرده و ترجمه کتاب «همنه های عالی اخلاقی در بحمدون» اثر کاشف الغطا را به پایان رسانده بود. موضوعاتی که شریعتی درباره آن می نوشت، بیشتر فرهنگی و تاریخی با رویکردی اندیشه ای بود. پس از گذشت مدتی، استقبال خوبی از نوشته های او شد.

● اندیشه ورزی با زبان رسانه

ضرورت پرداختن به مسائل مرتبط با اندیشه در عصر جدید، انکارناپذیر است. سلاح ارتباط خوب خوانندگان با فضای رسانه ای اهمیت این امر را بر ما روشن می کند. اما زبان پرداختن به مسائل اندیشه ورزانه باید چگونه باشد؟ در روزگار معاصر ما فارغ از بحث های عمیق کلامی و اندیشه ای، مردمان نیازمند فهم گزاره های عمیق دینی با زبانی ساده و سلیس هستند. شهید مطهری از کسانی بود که سعی کرد مفاهیم اعتقادی را درون مایه فلسفی را به زبانی ساده برای مردم روزگارش تبیین کند که تلاش های کم نظیر او در آثارش متبلور شده است. صفحه اندیشه روزنامه شهرآرا به دنبال پرداختن به مطالبی اندیشه ای در حوزه علوم انسانی و اسلامی با زبان رسانه و سبکی جدید برای فهم گزاره های عمیق به زبان رسانه ای است. این صفحه کوشش می کنیم با پرداختن به موضوع های روزمره فکری، مسیری جدید برای تضارب آرا در این زمینه بکشاییم. تضاربی به دور از نزاع های جدلی برای فهم هر چه بهتر گزاره های دینی و انسانی.



چاپ شده در خرداد ماه ۱۳۳۳ - سومین یادداشت



از خرداد ماه ۱۳۳۳ - سومین یادداشت